خبر

## دیدگاه‌های خلاقانه علامه فضل‌الله در حل مسائل منطقه راهگشاست

محمود احمدی‌نژاد با سیدعلی فضل‌الله فرزند ارشد علامه محمدحسین فضل‌الله دیدار کرد. وی با تسلیت مجدد رحلت این عالم مجاهد خاطرنشان کرد: علامه فضل‌الله پشتوانه مستحکمی برای مردم لبنان، مقاومت و ملت‌های منطقه بودند. رئیس‌جمهور نگاه مترقی و دیدگاه‌های خلاقانه علامه فضل‌الله را در حل مسائل منطقه راهگشا دانست و تصریح کرد: تمام زندگی ایشان در جهاد و مبارزه سپری شد به طوری که همواره نسبت به موضوعات مهم منطقه حساسیت داشته و با مواضع و سخنرانی‌های قاطع و انقلابی روشنگری می‌کردند. احمدی‌نژاد با تاکید بر اینکه ظالمان دنیا در سرازیری سقوط قرار دارند، اظهار کرد: بدون تردید ظلم و بی‌عدالتی‌هایی که در دنیا گسترده شده با بیداری ملت‌های جهان به زودی ریشه‌کن خواهد شد. حجت‌الاسلام سیدعلی فضل‌الله فرزند علامه فضل‌الله نیز در این دیدار با تشکر از پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب، رئیس‌جمهور و حضور هیات ایرانی در مراسم تشییع پیکر علامه فضل‌الله با اشاره به علاقه قلبی پدر بزرگوارشان به نظام جمهوری اسلامی ایران گفت: علامه فضل‌الله ایران را پایگاه اصلی اسلام ناب و آزادگان جهان می‌دانستند و نسبت به حفظ و تقویت جایگاه ملت ایران حساسیت ویژه‌ای داشتند. فرزند ارشد علامه فضل‌الله افزود: علامه فضل‌الله اهمیت بسیاری برای مشکلات دنیای اسلام به خصوص ملت مظلوم فلسطین قائل بودند و خواهان تقویت وحدت در جهان اسلام و نابودی رژیم صهیونیستی بودند. لازم به ذکر است متکی وزیر امور خارجه ایران نیز با وی دیدار و گفت‌وگو کرد.

## تشریح نتایج سفر لاریجانی به ژنو

علی لاریجانی پس از بازگشت از ژنو در تشریح دستاوردهای این سفر گفت: در این سفر علاوه بر حضور در سومین کنفرانس روسای مجالس عضو اتحادیه بین‌المجالس و همچنین ملاقات با دبیرکل سازمان ملل با ۲۲ نفر از روسا و نواب روسای مجالس برخی از کشورهای آسیایی، اروپایی و عربی دیدار انجام شد و در رابطه با مسائل منطقه و روابط دوجانبه با آن کشورها بحث و تبادل نظر صورت گرفت. به گزارش ایسنا، رئیس مجلس شورای اسلامی در بدو ورود به تهران با بیان این مطلب افزود: این سفر به منظور شرکت در سومین کنفرانس جهانی روسای مجالس عضو اتحادیه بین‌المجالس انجام شد که در آن مسائل مهم جهانی، بحران‌ها و چالش‌های جهانی مورد بررسی قرار گرفت.

## سفر سعد حریری به ایران

نخست‌وزیر لبنان اظهار داشت قصد دارد ماه جاری میلادی به ایران سفر کند. به گزارش مهر به نقل از پایگاه اینترنتی المنار، سعد الحریری پنجشنبه گذشته اعلام کرد تصمیم دارد در ماه جاری به ایران سفر کند. طی ماه‌های گذشته بارها اعلام شده بود نخست‌وزیر لبنان به زودی به ایران سفر خواهد کرد اما به زمان دقیق آن اشاره‌ای نشده بود. وی درباره سفر محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ایران به لبنان نیز گفت: سفر احمدی‌نژاد به لبنان به زمان دیگری موکول شده است.

قرار بود احمدی‌نژاد به دعوت «میشل سلیمان» رئیس‌جمهور لبنان اوایل مرداد به این کشور سفر کند اما سفر وی به بعد از ماه مبارک رمضان موکول شد.

### حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:

# کارهای بزرگ را نمی‌توان به صورت دستوری، تشریفاتی و اداری انجام داد

در آستانه ولادت حضرت امام حسین(ع) و روز پاسدار، کارکنان دفتر رهبری و اعضای سپاه حفاظت ولی‌امر به همراه خانواده‌های خود، با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دیدار کردند. در این جلسه صمیمی که با اقامه نماز جماعت مغرب و عشا آغاز شد، رهبر معظم انقلاب، دو عنصر «ایمان و آگاهی» را از عوامل ایجادکننده انگیزه برای انجام «کارهای بزرگ و ممتاز» دانستند و تاکید کردند: «کارهای ممتاز و خوب، فقط با انگیزه‌های ممتاز و از اعماق دل برآمده انجام می‌گیرد و نمی‌توان این کارها را به صورت دستوری و تشریفاتی و اداری انجام داد.» به گزارش ایسنا، مشروح این سخنان که راهکاری عملی برای تحقق شعار «همت مضاعف و کار مضاعف» است و از سوی پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، منتشر شد به شرح زیر است:

**بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم**

اولاً خوشامد عرض می‌کنیم به همه شما برادران، خواهران، خانواده‌های محترم؛ و تبریک عرض می‌کنیم این عید سعید و شریف را، بلکه این اعیاد شریفه را که به تقدیر الهی در ماه مبارک شعبان گنجانده شده است. خود ماه شعبان هم عزیزان من، با قطع نظر از این تولدها و ولادت‌های مبارک، عید است؛ عید تقرب و توجه به خداوند و توسل قلبی به ساحت ربوبی، فرصت بزرگی است برای نورانی کردن دل و جان انسان و آماده شدن انسان برای ورود در ضیافت ماه مبارک رمضان. با این چشم نگاه کنیم به ماه شعبان؛ ماه فرصت عبودیت خداوند و فرصت خودسازی.

آن چیزی که من در این جمع خواستم عرض بکنم، همین مساله انگیزه‌هاست. کارهای خوب، کارهای بزرگ، فقط با انگیزه‌های ممتاز و از اعماق دل برآمده انجام می‌گیرد. کارهای بزرگ را به صورت دستوری و تشریفاتی و اداری و اینها، نمی‌شود انجام داد. کار مقرراتی و دستوری، در همان حد کار متعارف انجام می‌گیرد؛ در صورتی که کار برجسته و ممتاز، تابع انگیزه است. آن کسی که از لحاظ کمیت کار خیلی وقت خود را صرف می‌کند و از وقت استراحت خودش می‌زند، انگیزه بالایی دارد؛ این یک چیز برجسته‌ای است. ما چنین روحیه‌ای را دیده‌ایم، در همین جا هم هست. در طول این ۳۰ سال، بنده در جاهای مختلف که بودم - چه در زمان ریاست‌جمهوری، چه قبل از آن در نیروهای مسلح و جاهای دیگر - از نزدیک کسانی را مشاهده کرده‌ام که واقعاً تعطیلی نمی‌شناسند، استراحت نمی‌شناسند. مایلند همه لحظات‌شان را صرف همین کاری که بر عهده آنها محول است، قرار بدهند. البته من همین جا به شما عرض بکنم که موافق این‌جور کار کردن نیستم. بنده معتقدم کار باید جوری برنامه‌ریزی و تنظیم بشود که انسان بتواند به خانواده خود، به فرزندان خود و به روابط عاطفی بپردازد، خودش را له نکند. ولی خب، بعضی هستند؛ حالا واقعاً یا ظرفیت زیادی دارند، به همه چیز در جای خود می‌پردازند و ظرف کار را لبریز می‌کنند، یا اینکه از جاهای دیگر کم می‌گذارند و به کار اضافه می‌کنند. این حجم کار و کمیت کار است که سنگین و بزرگ و فراگیر است. این یکی از کارهای برجسته است، این احتیاج به انگیزه دارد. تا انگیزه قلبی نباشد، هیچ کس به خاطر دستور و به خاطر حکم و به خاطر مقررات، این‌جور کار نمی‌کند. گاهی هیچ‌کس هم این حجم کار را نمی‌فهمد. من بارها در جمع‌های اداری که اینجا آمدند، گفته‌ام: شما یک پرونده دست‌تان است، یک پروژه دست‌تان است، یک کار دست‌تان است، می‌گویید تمامش کنم. وقت اداری هم تمام می‌شود، شما هم خسته هستید، اما می‌گویید من این کار را باید تمام کنم و بروم. نیم ساعت، یک ساعت، دو ساعت بیشتر از وقت می‌مانید، نه به رئیس‌تان اطلاع می‌دهید، نه اضافه‌کار می‌گیرید، نه کسی می‌فهمد؛ اما شما این کار را انجام دادید. این خیلی ارزش دارد، این در دفتر کرام‌الکاتبین محفوظ می‌ماند. کاتبان عمل ما - که ماموران ساحت ربوبی هستند - این‌طور کارهای این‌جوری را به‌خصوص برجسته می‌کنند. خب، این یک نوع کار برجسته است.

یک نوع کار برجسته، کارهای کیفیتی است؛ کار را با کیفیت خوب انجام دادن، به شکل عالی‌تر انجام دادن. انسان می‌تواند یک رسیدگی را، یک کار را دو جور انجام بدهد. جور آسان‌تری هم وجود دارد، اما انسان جور سخت‌تر را انتخاب می‌کند، برای اینکه کیفیت کار را بالا ببرد. این هم انگیزه می‌خواهد، این هم کار برجسته است.

یک نوع کار، ابتکار و آفرینش کار است؛ پیدا کردن راه‌های نو، شیوه‌های نو، شیوه‌های کارآمدتر، چه در کارهای محدود، چه در کارهای کلان. فکر لازم دارد، تلاش لازم دارد. بعضی‌ها می‌گویند حالا ولش کن، همان کاری که دیگران می‌کنند، ما هم می‌کنیم. بعضی می‌گویند نه. به خودشان می‌قبولانند که کاری مبتکرانه و خلاقانه ارائه بدهند. اینها انگیزه می‌خواهد. بدون انگیزه، بدون یک عامل درونی، این‌جور کارهای برجسته، چه از لحاظ کمی، چه از لحاظ کیفی، امکانپذیر نیست. این انگیزه چیست؟ این انگیزه، ترکیبی است از ایمان و آگاهی. این دو چیز به انسان انگیزه می‌دهد؛ ایمان داشته باشد، آگاهی هم داشته باشد.

اگر خدای نکرده شما بیماری داشته باشید. وقتی که نمی‌دانید این بیماری وجود دارد، یا نمی‌دانید که طبیبی برای این بیماری وجود دارد، یک جور عمل می‌کنید، اما وقتی که می‌دانید این بیماری هست، می‌دانید طبیبی هم هست، اعتقاد هم دارید که این طبیب می‌تواند این بیماری را مرتفع کند، اینجا چه کار می‌کنید؟ اینجا دیگر معطل نمی‌شوید. دور باشد، نزدیک باشد، آسان باشد، سخت باشد، این عزیز بیمار را می‌کشانید، می‌برید آنجا. این انگیزه است. انسان برای کار انگیزه دارد. یک عامل درونی انسان را وادار می‌کند. انسان نیاز را بفهمد، به نتیجه ایمان داشته باشد - و برای مردم مومن، در زیر نظر خدا بودن را هم بداند - این می‌شود انگیزه کامل. بعضی‌ها این اعتقاد را دارند، این آگاهی را دارند، این ایمان به نتیجه را دارند، اما خدا ندارند؛ آنها انگیزه‌شان کمتر است. اما وقتی من و شما می‌دانیم کاری که می‌خواهیم انجام بدهیم، کاری که داریم انجام می‌دهیم، کاری است برای خدا، کاری است برای نظام اسلامی، کاری است برای مردم و به سود مردم و خدا این را می‌بیند، و اگر دیگران نفهمند، دیگران ما را تحسین نکنند، آفرین نگویند، برای ما کف نزنند، اما خدای متعال می‌بیند و قدر می‌داند و پاداش می‌دهد. امام حسین(ع) در روز عاشورا فرمود: «ان ذلک بعین الله»؛ می‌بینم که کار من زیر نظر خداست. با این دید، این می‌شود آن انگیزه‌ای که با وجود آن، انسان هرگز دیگر بیکار نمی‌ماند. و اسلام و تاریخ اسلام و وجود مقدس خاتم‌الانبیاء (صلّی‌الله علیه و آله و سلّم) در تقویت این انگیزه و شناخت مواقع وجود این انگیزه و بهره‌برداری از آن به نفع اهداف و آرمان‌ها، غوغایی کردند. انسان وقتی که تاریخ اسلام را نگاه می‌کند، می‌بیند در این خصوص غوغاست.

یک نمونه آن را من عرض بکنم. در جنگ احد - همین طور که اطلاع دارید، شنیده‌اید یا خوانده‌اید - مسلمان‌ها اول پیروز شدند، بعد به خاطر دنیاطلبی یک عده از خودشان، دچار شکست شدند. کسانی از اینها به شهادت رسیدند - مثل جناب حمزه سیدالشهداء و دیگران - بقیه هم فرار کردند و رفتند روی آن کوه؛ دشمنان هم در آخر آن روزی که این جنگ انجام گرفت، با دست پر و با خوشحالی آنجا را ترک کردند و این غصه و این عقده در دل مسلمان‌ها ماند. پیغمبر فرمود شهدا را بردارند و به مدینه بیاورند - احد نزدیک مدینه است - راه افتادند، آمدند وارد مدینه شدند. در میان افراد بازگشته به مدینه، مجروح هست، جانباز هست، اجساد مطهر شهدا هست، خانواده‌های داغدار هستند. مدینه غوغا شد از لحاظ گریه و نوحه و زاری برای کشته شده‌ها، و بعد هم ناکامی در این جنگ؛ اینها همه تلخ بود.

شب آن روزی که این حادثه تلخ اتفاق افتاده بود، برای پیغمبر خبر آوردند که یک عده از مشرکین بعد از آنکه از مدینه دور شدند، به این فکر افتاده‌اند که حالا که مسلمان‌ها شکست خوردند، خوب است ما حمله کنیم و کار مسلمان‌ها را تمام کنیم. این خبر که به مدینه رسید، یک عده از آدم‌های دهن‌لق - یا مغرض یا جاهل که شایعات بد را بلافاصله مثل برق و باد منتشر می‌کنند - شروع کردند این را منتشر کردن. این‌گونه افراد همین قدر که خبر به گوش‌شان برسد - چه راست باشد، چه دروغ - بلافاصله شروع می‌کند آن را پخش کردن. آن زمان هم این افراد بودند، امروز هم از این قبیل افراد هستند. اینها شروع کردند توی مدینه خبر را منتشر کردن. گفتند آقا پدرمان درآمد؛ اینها به ما حمله می‌کنند؛ بترسیم، چه، چه و چه. بنا کردند توی دل مردم را خالی کردن. اینجا پیغمبر اکرم آمد وسط میدان. در یک چنین جاهایی، اِعمال آن روح نبوت لازم است.

پیغمبر مردم را جمع کردند، گفتند همه بیایید توی مسجد. آمدند توی مسجد. فرمود: شنیدم دشمن در فلان نقطه اجتماع کرده؛ منتظر است که شما غفلت کنید، به شما حمله کند. باید همین امشب بروید آنها را تار و مار کنید. گفتند: حاضریم یا رسول‌الله! فرمود: نه، فقط کسانی که امروز در جنگ احد بودند، آنها باید بروند. یعنی همان‌هایی که خسته‌اند، همان‌هایی که از صبح تا شب جنگیدند، همان‌هایی که بدن‌شان هم زخمی است، باید بروند؛ هیچ کس غیر از اینها نباید برود. اول یک عده‌ای شاید تعجب کردند، بعد دیدند عجب حکمی است. کسانی که آن روز در جنگ احد بودند، آسیب هم دیده بودند، خسته هم بودند، بلافاصله جمع شدند. پیغمبر گفت بروید این قضیه را تمام کنید و برگردید.

کسانی که آن زخم را امروز خورده‌اند و ضربه‌ای را که دشمن وارد آورده، مایلند جبران کنند و ضربه متقابل بزنند، خودشان دست‌شان توی کار بوده، نه اینکه خبر را از دهن این و آن شنفته باشند، همین‌ها را پیغمبر به خط کرد، بسیج کرد و گفت شماها باید بروید. اینها یک عده‌ای بودند - خیلی هم نبودند - سوار شدند و راه افتادند طرف همان منطقه، و دشمنی را که کمین گرفته بود، غافلگیر کردند و به او ضربه زدند و تار و مار کردند و برگشتند. آیه شریفه نازل شد: «الّذین قال لهم النّاس انّ النّاس قد جمعوا لکم فاخشوهم»؛ مومنین آن کسانی هستند که وقتی شایعه‌پراکن‌ها آمدند گفتند علیه شما آنجا جمع شدند و بترسید، «فزادهم ایمانا»؛ اما این ترس که به وجود نیامد، انگیزه و ایمان آنها تقویت و بیشتر هم شد. «و قالوا حسبنا اللّه و نعم الوکیل»؛(۱) گفتند خدا کافی است، کار موکول به خداست. ببینید این چه معرفت عظیمی است. کار را شما داری می‌کنی، بازوی شما دارد کار می‌کند، فکر شما دارد کار می‌کند، قلم شما دارد کار می‌کند؛ اما کار، کار خداست، موکول به اوست. موکول به خدا بودن معنایش این نیست که ما کنار بنشینیم، بگوییم خدا خودش درست کند. نه، خدا این‌جوری درست نمی‌کند. اینکه من و شما یک کاری را انجام بدهیم، مغرور بشویم و خیال کنیم ما بودیم که کردیم، خیال کنیم که ما یک کار برجسته انجام دادیم، این هم غلط است، این هم نادرست است. اگر خدای متعال کمک نکند، اگر هدایت نکند، اگر توفیق ندهد، هیچ کاری نمی‌تواند بکنید، هیچ نتیجه‌ای را هم به دست نخواهید آورد.

وقتی دو عنصر همراه شد؛ یعنی شما از یک طرف به خدا توکل کردید، از خدای متعال استمداد کردید، خدا را حاضر و ناظر دانستید، خدا را صاحب کار خودتان دانستید، و از طرف دیگر همه نیرویتان را پای کار آوردید، این می‌شود همان شکل درست. «قالوا حسبنا اللّه و نعم الوکیل»؛ این توصیف اینهاست. نتیجه کارشان هم در آیه بعد ذکر می‌شود: «فانقلبوا بنعمة من اللّه و فضل لم یمسسهم سوءو اتّبعوا رضوان اللّه».(۲) رفتند و برگشتند، بدون اینکه کوچک‌ترین ضربه و زخمی بر آنها وارد شده باشد. آنها توانستند دشمن را تار و مار کنند و همه موجودی‌های دشمن را مصادره کنند و غنیمت بگیرند و بیاورند. آنها نه فقط توطئه را خنثی کردند، بلکه یک درآمدی هم برای مدینه و حکومت پیغمبر در سال سوم - که سال جنگ احد است - درست کردند.

می‌خواهند ما اینها را به یاد داشته باشیم. اینها فقط تاریخ نیست، خاطره نیست؛ اینها درس است. می‌خواهند من و شما این حقایق را به یاد داشته باشیم و اینها را در زندگی‌مان اعمال کنیم. چهار تا آیه در تعقیب نماز صبح ذکر شده - که در کتاب مفاتیح‌الجنان هم هست - می‌توانید مراجعه کنید و آنها را بخوانید. هر کدام از این آیات هم که ذکر شده، یک نتیجه‌ای دنبالش آمده است: «و افوّض امری الی اللّه انّ اللّه بصیر بالعباد. فوقیه اللّه سیئات ما مکروا».(۳) «لا اله الّا انت سبحانک انّی کنت من الظّالمین. فاستجبنا له و نجّیناه من الغمّ و کذلک ننجی المؤمنین».(۴) که آیه جناب یونس است. آیه دیگر، همین آیه‌ای است که قبلاً تلاوت کردم: «حسبنااللّه و نعم الوکیل. فانقلبوا بنعمة من اللّه و فضل لم یمسسهم سوء». آیه چهارم هم «ما شاء اللّه لا قوّة الّا باللّه»(۵) است که مال آن قضیه دو برادر است. اینها برای ما درس است. وقتی انسان احساس می‌کند که کار بزرگ است، کار باارزش است، کار دارای تاثیر اجتماعی کلان است، انگیزه‌اش بیشتر می‌شود.

به هر حال آن چیزی که از بین می‌رود، همین گذران روزانه ما و شماست. خوبش، بدش، بر طبق وظیفه‌اش، خلاف وظیفه‌اش، صوابش، اینها از بین می‌رود. طبیعت عالم، طبیعت زوال است؛ «العالم متغیر». آنچه می‌ماند، اثر این کار است در دیوان الهی؛ این از بین نمی‌رود. «لا یعزب عنه مثقال ذرة»؛(۶) به قدر سنگینی یک ذره - حالا ذره چه به معنای ذرات غبار منتشر در هوا، چه به معنای مورچه - از دید محاسبه الهی مخفی نمی‌ماند. دوربین‌های مخفی الهی ذره ذرة اعمال ما را نگاه می‌کنند و می‌سنجند؛ و سخت‌ترش این است که بر دل‌های ما هم تسلط دارند. دوربین مخفی فقط توی ساختمان و توی محیط کار و داخل خانه و اینها نیست، توی دل ما هم یک دوربین مخفی هست. آنچه بر دل ما می‌گذرد، آنچه بر ذهن ما می‌گذرد، آنچه در خلوت انجام می‌دهیم، همه بدون هیچ‌گونه کم و زیادی منعکس است و در روز قیامت اینها آشکار می‌شود؛ «فمن یعمل مثقال ذرّة خیرا یره. و من یعمل مثقال ذرّة شرّا یره».(۷) ظاهر آیه این است که این عمل تجسم پیدا می‌کند و انسان خود آن عمل را می‌بیند. عمده این است که این عمل می‌ماند؛ به فکر این ماندنی باشیم. حوادث روزگار و گذران و روزمره عمر ما، خوبش، بدش، در اوج احترام، در حضیض بی‌احترامی، با جیب پر، با جیب خالی، همه‌جورش می‌گذرد و باقی نمی‌ماند. خوبش هم قابل دل‌بستن نیست، چون باقی‌ماندنی نیست؛ بدش هم شکوه و شکایت آنچنانی ندارد، چون باقی‌ماندنی نیست، چون گذراست. آن چیزی که می‌ماند اثر این عمل است، نتیجه این عمل است، ثواب الهی است، عقاب الهی است، به فکر این باید بود.

خوب، خیلی خوشحال شدیم از زیارت شما برادران و خواهران، مخصوصاً جوان‌هایتان که الحمدللّه در این جلسه خانوادگی حضور دارند. امیدواریم ان‌شاءاللّه همه شما موفق و موید باشید و در خط راست و درست و صراط مستقیم الهی به پیش بروید.

**والسّلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته**

## اهدای اثر ارزشمند استاد خروش به یادگار امام

استاد «کیخسرو خروش» پدیدآورنده آثار ارزشمند نقاشی و خوشنویسی عصر روز پنجشنبه با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی یادگار امام راحل دیدار و اثری ارزشمند به وی اهدا کرد.

در این دیدار که حجت‌الاسلام والمسلمین شاهمرادی مدیرعامل موسسه عروج فیلم نیز حضور داشت، تابلوی ارزشمند نقاشی پرتره مرحوم حاج‌سیداحمد خمینی توسط استاد خروش تقدیم حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی در این دیدار ضمن تشکر از استاد خروش، جویای وضعیت حرفه‌ای و کاری و معیشتی هنرمندان و نقاشان جوان شد. استاد خروش نیز ضمن ارائه توضیحاتی گفت: در بین نقاشان جوان، نقاشانی با ذوق و استعداد بالا وجود دارند که مشغول به فعالیت هستند.

استاد «کیخسرو خروش» در هنر نقاشی به ویژه در تصویرگری از چهره، مهارتی خاص دارد و پرتره‌های متعددی را از امام خمینی(س) بر پرده نشانده که هر کدام از آنها، ویژگی‌های ممتازی دارند.

استاد خروش نقاشی را نزد استاد حیدریان که از پروردگان مکتب کمال‌الملک بود، آموخته است، از این رو آثار این چهره ماندگار هنر، اهمیت و منزلتی خاص دارد.

استاد کیخسرو خروش همچنین یکی از بزرگ‌ترین استادان خط نستعلیق معاصر به ویژه در عرصه کتابت است و آثار خوشنویسی او در سه دهه گذشته مورد اقبال خاص‌وعام بوده است.

کتابت دیوان حافظ، فرمان امام علی(ع) به مالک اشتر، وصیتنامه امام، خسرو و شیرین نظامی، چهار مقاله عروضی سمرقندی و مثنوی پیر و جوان از جمله آثار هنری استاد خروش در حوزه خوشنویسی است.

خبر

## آغاز فاز علمی طرح ملی گداخت هسته‌ای

مراسم آغاز فاز علمی طرح ملی گداخت هسته‌ای، امروز در سازمان انرژی اتمی ایران برگزار می‌شود. به گزارش ایسنا، مراسم آغاز فاز علمی طرح ملی گداخت هسته‌ای و افتتاحیه دوره آموزشی و شروع به کار گروه‌های استخدامی جدید طرح ملی گداخت هسته‌ای امروز در سالن دکتر حسابی سازمان انرژی اتمی با حضور رئیس سازمان و معاونان وی برگزار می‌شود. طرح ملی طراحی و ساخت رآکتور و نیروگاه آزمایشی گداخت از جمله شش طرح کلان ملی کشور در حوزه فناوری است که قرارداد اجرای آن آذرماه سال گذشته همزمان با هفته «پژوهش و فناوری» در حضور رئیس‌جمهور بین معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران امضا شد. اجرای این طرح کلان ملی به پژوهشکده فیزیک پلاسما و گداخت هسته‌ای پژوهشگاه علوم و فناوری هسته‌ای سازمان انرژی اتمی ایران محول شده است. دستیابی به دانش فنی نسل جدید انرژی‌های هسته‌ای و تولید انرژی‌های پاک، پایدار، نو و تجدیدپذیر به عنوان مهم‌ترین و بهترین نوع انرژی‌های نسل‌های آینده از دستاوردهای حاصل از اجرای این طرح خواهد بود.

## استاندار قوی نداشتیم

نماینده ولی فقیه و مجلس خبرگان رهبری در کهگیلویه و بویراحمد گفت: پس از انقلاب متاسفانه نه نماینده مجلس خوبی در استان داشتیم، نه یک استاندار قوی. به گزارش ایلنا «آیت‌الله سیدکرامت‌الله ملک‌حسینی» در نشست با پرسنل شرکت توزیع نیروی برق این استان در دفتر خود افزود: مردم کهگیلویه و بویراحمد در دفاع مقدس و عرصه‌های مختلف انقلاب اسلامی مجاهدت‌های زیادی از خود نشان داده‌اند، ولی متاسفانه در تمام این دوران نه وکیل باعرضه‌ای داشتیم و نه استانداری قوی که بتواند به نحو شایسته مشکلات این مردم را حل کند. وی با انتقاد شدید از عملکرد برخی از مدیران کل و استانداران اسبق کهگیلویه و بویراحمد اظهار داشت: باندبازی الحاد است، اما زمانی بچه‌های غیرحزبی را نمی‌گذاشتند وارد دانشگاه شوند و به جای دانشگاه به بازرسی می‌فرستادند. نماینده کهگیلویه و بویراحمد در مجلس خبرگان رهبری به انتقاد از برخی مدیران‌کل اسبق این استان نیز پرداخت و یادآور شد: مدیرکل ارشادی بود در این استان با نام ... در دوران وزیر میرسلیم. وی رونق موسیقی در دوران این مدیرکل را در کهگیلویه و بویراحمد نادرست ارزیابی کرد و بیان داشت: وقتی از این استان به اراک رفت و مدیر شد کاری کرد در آنجا که برخی آخوندها با لباس آخوندی برای بچه‌ها ویولن می‌زدند. ملک‌حسینی گفت: موسیقی در هرخانه‌ای رفت نفاق ایجاد می‌کند و مهر و محبت را از خانواده‌ها می‌گیرد. وی با طرح این سوال که در قوم «لر» آرامش آن زمان بیشتر بود یا الان، ادامه داد: بچه‌ها اکنون به فکر مرگ پدر هستند و به باباهای خود فحش می‌دهند و این از اثرات موسیقی در خانواده‌هاست. نماینده ولی‌فقیه در کهگیلویه و بویراحمد در ادامه، گرانی کنونی در کشور را غضب الهی دانست و اظهار داشت: گرانی غضب الهی است. اکنون جنس هست اما گران است و عده‌ای دلشان می‌خواهد اما نمی‌توانند جنس مورد دلخواه خود را بخرند. وی افزود: اگر برف و باران هم نبارد از علائم غضب الهی است و خدا کند به همین اکتفا شود. ملک حسینی، زیاد شدن مواد مخدر و فحشا را در جامعه، از غضب‌های الهی برشمرد و یادآور شد: اینها نیز از غضب‌های الهی هستند. وی دلیل غضب‌های الهی را اجرایی نشدن احکام الهی ذکر کرد و از مدیران خواست به فکر رفع مشکلات مردمی باشند. نماینده کهگیلویه و بویراحمد در مجلس خبرگان رهبری در ادامه به بررسی جمله «مردم ولی‌نعمتان هستند» پرداخت و خاطرنشان کرد: کجا مردم ولی‌نعمتان هستند؟ به یک قاضی گفتم شما پدر مردم را درآوردید و برخی از مدیران کل نیز پدر بعضی‌ها را درآورده‌اند؛ آن موقع می‌گویند مردم ولی‌نعمتان هستند. وی گفت: ولی‌نعمت خداست و بی‌نیاز از امام زمان(عج) نمی‌توان بود. می‌شود به رئیس‌جمهور و رهبر دروغ گفت اما نمی‌شود به امام زمان(عج) دروغ گفت و ما نیازمند ایشان هستیم.

ادامه از صفحه اول

## هیچ راهی به جز مذاکره نیست

از زمان حماسه دفاع مقدس تاکنون تلاش فراوانی صورت گرفته تا ایران قدرت بلامنازع منطقه باشد. هم اینک سازمان‌های سیاسی و نظامی و اتاق‌های فکر غرب به خوبی می‌دانند که ترتیبات امنیتی منطقه‌ای بدون ایران امکان‌پذیر نیست. گردان‌های موشک ایران به خوبی نسبت به اهداف پدافندی خود در منطقه آگاهند و در صورت وقوع هر حادثه‌ای با بهره‌گیری از قابلیت‌های متعارف و پیچیده خوب می‌دانند که چه باید کنند. اما راه برون‌رفت از بحران چیست و چگونه می‌توان با پدیده تهدید روبه‌رو شد. در ضمن با هوشمندی کامل باید ظرفیت‌های دیگر نظام را بررسی کرد و از امکانات مذاکره، چانه‌زنی و قدرت منطقه‌ای بهره گرفت. این روزها لابی ضدایران در غرب با جنگ روانی و طرح احتمال وقوع حمله اسرائیل یا امریکا در پی ایجاد رعب و ترس در مجموعه نظام و مردم است. در حالی که شرایط خیلی سخت و دشوار است و دو سوی آتلانتیک در اعمال تضییقات و محدودیت‌ها به هم نزدیک‌تر شده‌اند و در واقع موضوع ایران را از مسائل میان ایران و غرب خارج کرده و تبدیل به یک موضوع بین‌المللی کرده‌اند ولی آنها یعنی غربی‌ها خوب می‌دانند که قدرت و ظرفیت منطقه‌ای ایران در عراق، افغانستان، لبنان و سرزمین‌های اشغالی چگونه است و این موضوع را خوب هم تجربه کرده‌اند. همین چند سال پیش که اسرائیل و امریکای نئوکان جنگ ۳۳روزه علیه مردم لبنان را به راه انداختند، در روزهای آغاز جنگ رجزخوانی می‌کردند که به کمتر از نابودی حزب‌الله تن نخواهند داد ولی در روزهای پایانی التماس می‌کردند که آتش‌بس را حزب‌الله بپذیرد. پیام‌هایی که آن روزها واصل می‌شد همه موجود است. تاریخ درس عبرت‌هاست. اینها تمثیل‌هایی است از بیان واقعیات موجود ایران. در منطقه هنوز دولت ایالات متحده نتوانسته است به قول‌هایی که به ملت خودش برای سرکوب القاعده و تروریسم خصم داده جامه عمل بپوشاند. عقلای غرب خوب می‌دانند هر دولت که در ایران حاکم باشد نیاز به تعامل سازنده در پیشبرد اهداف منطقه با ایشان دارد. آنچه در عراق و افغانستان گذشت آیا بدون نظر دولت ایران عملی می‌شد. پاسخ به این سوال دشوار نیست. دولت دموکرات آقای اوباما اینک تحت فشار داخلی و آزمون با تعهدات دوره انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده روبه‌روست. راه مذاکره با غرب بسته نیست و نباید باشد. مذاکره تنها گام عملی و منطقی برای برون‌رفت از بحران است. البته مذاکره‌ای که در آن حسن نیت و پذیرش منطق گفت‌وگو و احترام به ارزش‌های طرف مقابل در نظر باشد. از نظر آگاهان مسائل بین‌المللی در ایران محکومیت حملات تروریستی هفته گذشته در سیستان و بلوچستان از جانب رئیس‌جمهور و وزیر خارجه دولت ایالات متحده و برخی کشورهای اروپایی قابل دقت و بررسی است. این نخستین بار است که عملیات تروریستی در خاک ایران به صورت رسمی از جانب ایشان محکوم می‌شود. باید راه برون‌رفت از بحران‌ها را بهتر و آگاهانه‌تر پیدا کرد. اینکه با زبان تهدید مدام در پی تحمیل قطعنامه باشند منطق گفت‌وگو را ضعیف می‌کند. همکاری‌های ایران با آژانس حرکت متقابل از سوی غرب را طلب می‌کند. این تلقی در ایران آزاردهنده است که در برابر موج همکاری‌ها، زیاده‌خواهی‌ها پایان ندارد و دست مسوولان را می‌بندند. موضوع هسته‌ای ایران هیچ راه‌حلی به غیر از مذاکره و گفت‌وگو ندارد و تنها از این طریق بحران امروز میان غرب و ایران خاتمه خواهد یافت.